

# در جستجوی ذو القرنین

نگارخانه  
نشر نگاه معاصر

---

گیلگمش، کوروش و اسکندر،  
در کنیبه‌های سومری و بابلی،  
تواریخ یونانی و میراث ادیان

احسان روحی

## فهرست

□ مقدمه ..... ۱۱

### بخش اول

#### بررسی نظریه «کوروش ذوالقرنین» [۱۷]

۱. شرح اجمالی آیات ذوالقرنین ..... ۱۸
- شأن و مقام ذوالقرنین ..... ۱۹
- سیر ذوالقرنین در ارض ..... ۲۱
- سفر به مغرب الشمس ..... ۲۱
- سفر به مطلع الشمس ..... ۲۲
- سفر به ناحیه بین السدین ..... ۲۳
۲. تاریخ حیات کوروش ..... ۲۵
- از کودکی تا غلبه بر پادشاه ماد ..... ۲۷
- حمله به ارمنستان ..... ۲۸
- تسخیر لیدیه ..... ۲۹
- تسخیر ممالک شرقی ..... ۳۰
- تسخیر بابل ..... ۳۱
- لشکرکشی به شمال شرق ایران و مرگ کوروش ..... ۳۲
۳. معرفی اجمالی نظریه ابوالکلام آزاد ..... ۳۲
- پایه های نظریه ابوالکلام ..... ۳۳
۴. سد ذوالقرنین در نظریه ابوالکلام ..... ۳۴

۳۵. بررسی صحت انتساب سد داریال به کوروش کبیر
۳۷. نکاتی در رابطه با آثار کزنفون
۴۰. لشکرکشی کوروش به ارمنستان
۴۴. علت نپرداختن کزنفون به ماجرای سد داریال
۴۷. مقایسه سد ذوالقرنین و سد داریال
۴۹. بررسی راه‌های احتمالی هجوم سکاها به مناطق جنوبی
۵۱. نمونه‌هایی از حملات سکاها در اعصار پس از کوروش
۵۲. نتیجه‌گیری
۵۶. ۵. مقایسه اعتقادات و سیره ذوالقرنین و کوروش
۵۸. آراء ابوالکلام در رابطه با معتقدات کوروش
۶۰. تسامح کوروش در قبال عقاید خرافی
۶۱. عقاید کوروش در کتیبه‌های بابل
۶۴. کوروش در فنیقیه
۶۴. تکریم پادشاهان مغلوب از سوی کوروش
۶۶. دیدگاه ابوالکلام و طرفداران نظریه او درباره تسامح مذهبی کوروش
۷۰. روش انبیاء و حکام الهی در برخورد با شرک و بت‌پرستی
۷۳. سیاست‌های مذهبی کوروش کبیر
۷۷. اعتقادات مذهبی پادشاهان هخامنشی
۸۰. اعتقادات شخصی کوروش
۸۳. رویه صحیح در مواجهه با معارضات تاریخی
۸۴. قضاوت تاریخ درباره کوروش کبیر
۸۶. ۶. نقدی بر استناد ابوالکلام به احادیث عامه
۹۰. ۷. بررسی تطابق سفرهای سه‌گانه ذوالقرنین و کوروش
۹۲. جمع‌بندی

بخش دوم

ذوالقرنین در روایات امامیه [۹۹]

۱۰۰. ۱. رجعت ذوالقرنین
۱۰۴. ۲. نبوت ذوالقرنین

۱۰۹. ۳. ذوالقرنین اولین پادشاه پس از نوح علیه السلام
۱۱۰. ۴. هم‌زمانی ذوالقرنین و حضرت ابراهیم علیه السلام
۱۱۳. ۵. نظریه «اسکندر ذوالقرنین» در روایات امامیه
۱۱۸. ۶. عجایب حالات ذوالقرنین
۱۲۰. عدم اشاره تواریخ به عجایب حالات ذوالقرنین
۱۲۱. رفع استبعاد از عجایب حالات ذوالقرنین
۱۲۷. ۷. روایات ظلمت و چشمه حیات
۱۲۸. سندیت روایات چشمه حیات
۱۳۹. تفسیر روایات ظلمت و چشمه حیات
۱۴۷. ارتباط داستان ذوالقرنین با مبحث عوالم
۱۴۹. موضع وادی ظلمت و چشمه حیات
۱۵۴. ۸. سفر ذوالقرنین به مشرق و مغرب
۱۵۵. جابلقا و جابرسا، شهرهایی در غرب و شرق عالم
۱۵۸. سفر ذوالقرنین به عوالم جابلقا و جابرسا
۱۶۰. غریب موجود در روایات جابلقا و جابرسا
۱۶۳. توضیحی در رابطه با عصمت اهالی جابلقا و جابرسا
۱۶۵. ۹. سد ذوالقرنین از دیدگاه روایات
۱۷۹. تطابق نظریه برخاسته از روایات با آیات قرآن
۱۸۲. یک شبهه و پاسخ آن

بخش سوم

ذوالقرنین در اساطیر بین‌النهرین [۱۹۳]

۱۹۴. ۱. ممالک سومرواکد
۱۹۵. فهرست پادشاهان سومر
۱۹۷. ۲. گیلگمش در مکتوبات بین‌النهرین باستان
۱۹۷. افسانه گیلگمش
۱۹۸. نسخه‌های مختلف افسانه گیلگمش
۲۰۰. خلاصه‌ای از نسخه معیار افسانه گیلگمش
۲۰۳. اشاره‌ای به محتوای متون سومری افسانه گیلگمش
۲۰۴. سایر مکتوبات مرتبط با گیلگمش

- گیلگمش در فهرست خدایان ..... ۲۰۴
- گیلگمش در فهرست پادشاهان ..... ۲۰۵
- گیلگمش در کتیبه‌های سایر پادشاهان ..... ۲۰۶
- گیلگمش در نوشته‌های پیشگویان ..... ۲۰۶
- نامه گیلگمش ..... ۲۰۶
۳. وجوه اشتراک میان ذوالقرنین و گیلگمش ..... ۲۰۶
- ماهیت متون اساطیری ..... ۲۰۷
۴. تلاش برای یافتن حیات جاوید ..... ۲۱۳
۵. سفر به اقصی نقاط مشرق و مغرب ..... ۲۱۹
۶. عبور از وادی ظلمت ..... ۲۲۰
۷. جست‌وجوگری و سفرهای مخاطره‌آمیز ..... ۲۲۶
- هم‌اندیشی و شور با اطرافیان ..... ۲۲۸
- سفر به قلمروهای ناشناخته ..... ۲۳۲
- خرد و فرزاندگی، رهاورد سفرهای ذوالقرنین و گیلگمش ..... ۲۳۳
۸. حکومت جهانی ذوالقرنین و گیلگمش ..... ۲۳۶
۹. هم‌زمانی با حضرت ابراهیم ..... ۲۳۸
۱۰. رجعت ذوالقرنین و گیلگمش ..... ۲۴۰
- رجعت گیلگمش در افسانه گیلگمش ..... ۲۴۰
- وجه تسمیه گیلگمش و ارتباط آن با رجعت او ..... ۲۴۲
- حضور گیلگمش در ادوار مختلف تاریخ ..... ۲۴۴
- ارتباط ناگستنی میان گیلگمش و مرگ ..... ۲۴۵
- خاستگاه نامعلوم گیلگمش در فهرست پادشاهان سومر ..... ۲۴۵
۱۱. توفان نوح در افسانه گیلگمش ..... ۲۴۶
- شواهد مربوط به توفان بزرگ در حفاریات باستان‌شناسان ..... ۲۴۷
- نسخه اکدی داستان توفان بزرگ ..... ۲۴۷
- مشابهت‌های میان داستان توفان در منابع اسلامی و متون کهن بین‌النهرین ..... ۲۴۸

بخش چهارم

ذوالقرنین در متون مقدس اهل کتاب [۲۵۷]

۱. افسانه اسکندر ..... ۲۶۲

۲. سدّ اسکندر در برابر اقوام مهاجم ..... ۲۶۴
۳. سیر در وادی ظلمت و جست‌وجوی جاودانگی ..... ۲۶۵
۴. خرد و فرزاندگی ره‌آورد سفرهای اسکندر ..... ۲۶۷
۵. اسکندر و لقب «ذوالقرنین» ..... ۲۶۸
۶. تحریف‌های اهل کتاب در خصوص ذوالقرنین ..... ۲۶۹
۷. ذوالقرنین در احادیث عامه ..... ۲۷۸
- «اسکندر ذوالقرنین» در روایات عامه ..... ۲۸۰
- وجه تسمیه ذوالقرنین در احادیث عامه ..... ۲۸۱
۸. ذوالقرنین در آراء خاورشناسان ..... ۲۸۳
۹. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری ..... ۲۹۳
- سخن پایانی ..... ۲۹۴

□ منابع ..... ۳۰۳

□ نمایه ..... ۳۱۳

## مقدمه

یکی از جذاب‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین داستان‌هایی که در کتاب خدا بیان شده، به پادشاهی ملقب به ذوالقرنین اختصاص دارد. قرآن کریم، نسب این پادشاه را بیان نکرده و تنها به ذکر کلیاتی از وقایع حیات او بسنده نموده، همین امر سردرگمی مفسرین را در یافتن مصداقی تاریخی برای او به دنبال داشته و منشأ ارائه نظریات مختلفی در این باب گردیده است. لیکن به نظر می‌رسد که هیچ‌یک از فرضیاتی که از سوی ارباب تفسیر و تاریخ ارائه شده، پاسخ‌گوی تمامی سؤالات مرتبط با این شخصیت قرآنی نبوده و سبب اکتناع کارشناسان امر نشده است. اساساً به همین دلیل است که بحث و تضارب آرایه که از قرون ابتدایی اسلام در رابطه با ذوالقرنین آغاز شد، تا زمان ما نیز ادامه یافته است. در این میان گروهی از محققین، دایره مباحث خود را محدود به ظاهر آیات قرآن و مستندات تاریخی نموده و از ورود به مباحث روایی و بهره‌گیری از روایات عامه و خاصه برای گره‌گشایی از مسئله ذوالقرنین اجتناب نموده‌اند. از سوی دیگر، برخی از صاحب‌نظران نیز تنها به بیان روایات وارد در رابطه با ذوالقرنین اکتفا نموده و در صدد یافتن مابازاء تاریخی برای او نبوده‌اند. در واقع می‌توان گفت به رغم تمامی تحقیقاتی که در این حوزه به عمل آمده، تحقیق جامعی که مباحث تاریخی و نیز روایات وارد در باب ذوالقرنین را به طور توأم مورد بررسی قرار داده و غوامض و معارضات تاریخی و حدیثی موجود را توجیه و تفسیر نماید، انجام نشده است. لذا در نوشتار حاضر تلاش شده تا با اتکاء بر اسناد تاریخی و حدیثی معتبر و با رعایت اصول مقبول نزد مورخین و محدثین، جوانب مختلف مسئله ذوالقرنین مورد بررسی گرفته و تحلیلی راه‌گشا در این رابطه ارائه گردد. لیکن پیش از شرح و بسط این مباحث، ارائه توضیحاتی در خصوص رویکردهای تاریخی و روایی در مسئله ذوالقرنین ضروری می‌نماید.

به طور کلی تحقیق در رابطه با ذوالقرنین را می‌توان در دو حوزه مختلف با رویکردهای متفاوت تاریخی و یا حدیثی دنبال نمود. در رویکرد اول، شخصیت و سیره ذوالقرنین، به همان ترتیبی که در قرآن بیان شده، با یکی از پادشاهان تطبیق داده می‌شود و برای این کار به اسناد تاریخی و نکاتی که با استناد به ظاهر آیات قرآن قابل فهم است، استناد می‌گردد. به عنوان مثال، ابوالکلام آزاد که کوروش کبیر را ذوالقرنین می‌داند، جنگ‌های کوروش در لیدیه را که از ممالک غربی ادوار کهن بوده معادل با سفر ذوالقرنین به مغرب الشمس تلقی نموده و این مطلب را به عنوان یکی از وجوه اشتراک میان کوروش و ذوالقرنین بر شمرده است. به این ترتیب در صورتی که بتوان کلیه مشخصاتی را که از ذوالقرنین در آیات قرآن بیان شده با یک شخصیت تاریخی تطبیق داد، می‌توان ادعا نمود که او ذوالقرنین مذکور در قرآن است. ضرورت رویکرد تاریخی از آن جا نشأت می‌گیرد که نتایج حاصل از آن برای تمامی فِرَق قابل استفاده بوده و زبان مشترک میان محققین به شمار می‌آید؛ زیرا در این نوع بحث، تنها به متواترات تاریخی و نکاتی که با بهره‌گیری از قواعد لغت عرب از ظاهر آیات قرآن استخراج می‌گردد، استناد خواهد شد که هر دوی آن‌ها مورد پذیرش تمامی اندیشمندان اسلامی است. با این حال بحث تاریخی دارای نقایص بنیادین است که در بسیاری از موارد آن را ناکارآمد کرده است. نخست آن‌که آیات کتاب خدا توضیحات مجملی را از ذوالقرنین بیان داشته است، در حالی که اظهار نظر قطعی و یقینی در خصوص مابازاء تاریخی ذوالقرنین، نیازمند برخورداری از اطلاعات افزون‌تری است که این اطلاعات عموماً از طریق مراجعه به روایات حاصل می‌گردد. مضاف بر این، در صورتی که تنها به اسناد تاریخی، مشتمل بر کتب مورخین عهد قدیم و کشفیات باستان‌شناسان متکی باشیم، لزوماً نخواهیم توانست تمامی ویژگی‌هایی را که قرآن کریم در رابطه با ذوالقرنین بیان نموده با یک شخصیت تاریخی تطبیق دهیم که این امر دلایلی بسیار روشن دارد؛ اولاً کتب مورخین باستان، دوره‌ای محدود از تاریخ بشر را پوشش داده و ثانیاً بخش کوچکی از رویدادهای بازه تاریخی مذکور، آن هم با تفاوت‌ها و تعارضات فراوان، در کتب مورخین انعکاس یافته و بیان گردیده است؛ به گونه‌ای که بسیاری از جزئیات ذکر شده در این کتب محل اعتماد نبوده و گاه تنها کلیات و خط سیر اصلی داستان‌های ایشان ارزش و اعتبار تاریخی دارد. از سوی دیگر، تمرکز صرف بر تواریخ مدون و نادیده انگاشتن ادوار قبل از آن‌که بخش وسیعی از تاریخ بشر را به خود اختصاص داده و مملو از وقایع ناشناخته است نیز موجب محدود گشتن دایره تحقیقات در رابطه با ذوالقرنین می‌شود؛ چرا که قرآن کریم بازه زمانی حیات این فرمانروای الهی را مشخص ننموده و این امکان وجود دارد که ذوالقرنین در دوران تاریخ غیر مدون زیسته باشد. ما

می‌دانیم که حیات بسیاری از انبیاء الهی هم چون ابراهیم، موسی، داوود و سلیمان علیهم‌السلام که قرآن کریم قصص ایشان را انباء غیب و دور از دسترس انسان‌های عادی خوانده است، مربوط به ادواری بوده که تواریخ مدون هم چون نوشته‌های هرودوت،<sup>۱</sup> کزنفون<sup>۲</sup> و کتزیاس<sup>۳</sup> شرحی از آن به میان نیاورده‌اند. اکنون چه منعی وجود دارد که ذوالقرنین نیز هم چون پیامبرانی که به نام ایشان اشاره شد، در دوران تاریخ غیر مدون زیسته باشد؟ صرف وجود این احتمال که از آیات قرآن هم قابل نفی نیست، ثابت می‌کند که استناد به نوشته‌های مورخین باستان، راه حل قطعی برای حل مسئله ذوالقرنین به شمار نمی‌آید و می‌بایست به کشفیات باستان‌شناسی مربوط به دوران تاریخ غیر مدون هم رجوع نموده و در جست‌وجوی اثری از ذوالقرنین در آن دوران نیز باشیم.<sup>۴</sup> لیکن این امر نیز با مشکلات مضاعفی در قیاس با بررسی دوره تاریخ مدون همراه خواهد بود. زیرا کتیبه‌هایی که در حفاریات باستان‌شناسی به دست می‌آیند در بسیاری از موارد اطلاعاتی اجمالی و غیر واضح را از دوران کهن در اختیار گذاشته و خود عامل ایجاد برخی ابهامات می‌شوند. از همه این‌ها گذشته، بسیاری از آثار اقوام پیشین زیر خاک‌ها بوده و تلاش برای دستیابی به آن هم چنان ادامه دارد. نتیجه آن‌که اتخاذ رویکرد تاریخی در مباحث مرتبط با ذوالقرنین به دلیل شرح مجملی که قرآن کریم از زندگی و شخصیت ذوالقرنین ارائه نموده، و نیز به علت کاستی‌های مترتب بر آثار تاریخی مربوط دوران تاریخ مدون و یا غیر مدون، تضمینی برای برطرف نمودن پیچیدگی‌های داستان ذوالقرنین و تطبیق او با یک شخصیت تاریخی به شمار نمی‌آید.

نقایص وارد بر رویکرد تاریخی، اهمیت استناد به روایات و حقایق را که از طریق وحی بیان شده مکشوف می‌سازد. روایات، نکات تازه‌ای را از حیات ذوالقرنین ارائه می‌دهند که در ظاهر آیات قرآن به آن‌ها پرداخته نشده است. حقیقتی که قرآن کریم نیز با علی صوته به آن شهادت داده، آن است که کتاب خدا تنها منبع اخذ احکام و معارف دینی نبوده و پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و اوصیائش، شارحان و مفسران حقیقی قرآن به شمار می‌آیند. لذا مطالب طرح شده در روایات، نه گزاره‌هایی فاقد اهمیت، که تنها راه برای علم به حقیقت احوال ذوالقرنین محسوب می‌گردند. هدف از بحث روایی در نوشتار حاضر معرفی دیدگاه ائمه علیهم‌السلام در رابطه با ذوالقرنین، برای کسانی است که حدیث را از منابع اخذ معارف دینی به شمار آورده و به حقانیت آن معتقدند. به بیان دیگری خواهیم بگوییم که دیدگاه برخاسته از روایات، که از لسان افرادی بیان شده که مؤید به وحی بوده‌اند، بهترین راه برای رمزگشایی از داستان غامض ذوالقرنین است و سزاوار است که شیعیانی که خود را پیرو اهل بیت می‌دانند، با مذاقه در کلمات ایشان، نظریه صحیحی را در